بحثی در لهجه های طبقاتی و محلی ایران

 امین، سید حسن

منشأ عمده اختلاف لهجه‏ها یا فاصله طبقاتی است یا جغرافیائی.معلوم است که‏ در هر طبقه نیز به طبقاتی چند قابل تقسیم است.

چون کسی زبانی را نیک دانست لهجه‏ها و فروع و شقوق آنها را تمیز و تشخیص تواند کرد.نزد آن کسی که مثل را انگلیسی نداند این زبانی است بیگانه که بزعم او همه جا یکسان و یکنواخت بزبان می‏آید.چون مختصری انگلیسی بیاموزد بین لهجه‏های عمده‏ آن زبان(مثلا آمریکائی و بریتانیائی)فرق می‏گذارد.چون بیشترک بدانست لهجه‏ هر کشور را(مثل انگلیسی را از ایرلندی یا اسکاتلندی)تمیز می‏دهد و بعد از آن لهجهء هر ایالت را امتیاز می‏دهد و اگر در آن ایالت ماند لهجه شهرها را و........ناگفته‏ نماند که در انگلستان،تحصیلکردگان و اهل علم،بی‏ارتباط به مولد و مسکن،لهجه‏ خاص خود را دارند.این لهجه را که مصطلح اهل علم و فضل است لهجه آکسفورد گویند (نه لهجه شهر آکسفورد بل دانشگاه آکسفورد).

پارسی‏گو گرچه تازی خوشتر است(در گذشته زبان دوم فارسی‏زبانان تازی بود و عربی‏دانی همان اندازه اسباب فخر و مباهات بود که اکنون فرنگی دانی.ترکی گویان‏ را نیز پارسی یا عربی زبان دوم بود.ترکان پارسی‏گو بخشندگان عمرند(حافظ)

ناصر خسرو در قصائد خود مکرر مباهات می‏کند که‏"به هر دو زبان-حکمت همی‏ نوشته و دیوان کنم‏".دیگران نیز خود را ذو اللسانین خوانده‏اند.ایرج میرزا داوطلب‏ بود که‏"دهم به تازی و پارسی امتحان......"لمحرره

لفظ حجازی و فرنگی درست‏ دانستم چونان که زبان دری)

کجا بودم؟اکنون فتادم کجا؟.لهجه‏های مختلف استانهای ایران(ضرورتا هر استان‏ لهجه‏یی ممتاز ندارد و این تعبیر دقیق نیست مسامحه در تعبیر نیز رواست)معلوم و مشخص است چون کسی لهجه آن استان را دانست می‏شناسد که اهالی هریک از شهرستانها لهجه‏یی متفاوت دارند مردم بعضی شهرها تا همین اواخر در محلهای مختلف لهجه‏هائی متفاوت داشتند لهجه پائین محله با لهجه بالا محله تفاوت داشت.هنوز هم لهجه مردم‏ روستاهای دور و نزدیک در یک ناحیه(مثلا در حوزه یک شهرستان)از یکدیگر ممتاز و متمایز است.

لهجه نعمتی‏ها و حیدری‏ها بی‏گمان یکسان نتوانست بود.روبنا و اشکال صوری‏ و قالبی دو دستگیهایی از این دست هرچه بوده باشد ریشه‏های طبقاتی و اقتصادی آن‏ نیز قابل ملاحظه است.1مادربزرگ من(بی‏بی عالم امین-زوجه مرحوم امین الشریعه) که چند سال پیش از این در تهران درگذشت و بیش از نود و چند سال زیسته بود نقل‏ می‏کرد که حیدریها می‏گفته‏اند.نعمتی پول ده ره-حیدری زورده ره-یعنی نعمتی زر دارد و حیدری زور.نعمتی سرمایه دارد و حیدری بازو و سرپنجه.زمین بر شاخ گاو استوار نیست‏2بر سر انگشتان تو استوار است!)

لهجه طبقاتی ایران شایان مطالعه و تحقیق است.مطالعه این‏گونه مسائل،محتاج‏ عوامل و وسائل فنی وارداتی و اسباب و لوازم تازه نیست.همت و پشتکار میخواهد. هزینه تحقیق در این مسائل هم احتیاج به مساعدت ارباب جاه و صاحبان دستگاه ندارد تا به انتظار بنشینی که خواجه کی بدرآید.

برای صد نفر از ده طبقه اجتماعی مختلف بطور ساده و یکنواخت تبریک عید فرستادم‏ پاسخهای آنان منبع یک کار تحقیقی است.من خصوصیت طبقاتی آنان را می‏دانستم. آنان نمی‏دانستند من کیستم و چه پایه و چه مقام دارم یا ندارم.نویسنده نشانی خود را صندوق پستی معین کردم چه نشانی‏ها نیز-بیش و کم نشانه تفاوت طبقه‏هاست.خوانندگان‏ وحید(مثل نویسندگان آن)چندوچون مسکن و مکسب ساکنان این دو نشانی درمی‏یابند و تفاوت آن را بآسانی در ذهن تصویر می‏کنند.فی المثل دو نشانی مجعول.

1-تهران خیابان شوش شرقی-خیابان شقاقی-کوچه سلاخها-بن‏بست سوم-روبروی‏ منزل حسین خان قصاب-برسد بدست سید حسن امین.

2-زرگنده-امین.(یا،نیاوران-امین).

یکی از مراجع تقلید از قم نوشته‏اند عمده اللاجله و الاعاظم جناب آقای سید حسن‏ امین.یکی نوشته است خدمت ذیمر حمت جناب...................عارفی نوشته است‏ ان شاء الله الحافظ خدمت آقای......"یکی از جوانان آتشین نوشته است‏"رفیق سید حسن امین‏".و..................که

بعضی پاسخ نداده‏اند بعضی امضاء نکرده‏اند بعضی جستجو کرده‏اند و فهمیده‏اند سید حسن امین کیست.بانوان و دخترانی که بجهت این تفنن تحقیقی(یا تحقیق‏ تفننی)1با ایشان تبریک فرستاده بودم پاسخ نوشته بودند.دلائل و ملاحظات خانوادگی و اجتماعی جامعه زنان ایرانی نیز شایسته مطالعه است اما از عهده این مقال خارج است. چند تن را می‏دانستم و چندین تن را نمی‏دانستم سواد خواندن و نوشتن نداشته‏اند دیگران از زبان آنان نوشته‏اند.

مثالی دیگر.مرید متصرف به مراد عارف خود می‏گوید"جمال حضرت درویش را عشق است‏"و این عبارت در خانقاه نشانه ادب است.اگر در محیط سربازی پائین دستی‏ به بالا دست خود چنین سخنی بگوید دیوانه‏اش می‏شمرند.در طول خدمت نظام من‏ شاهد چنین صحنه‏هائی بودم و تفصیل آن خاطره‏ها شرحی را درخور است.نمونه این‏ که بهنگام آموزش نظامی چون برسم حضور و غیاب نام سربازان را برمی‏خواندند سرباز تازه رسیده بشنیدن نام خویش اگر مدرسه رفته بود برسم مدارس می‏گفت‏"حاضر"اگر بی‏سواد بود بفارسی(و گاه ترکی)می‏گفت‏"بله‏".به سربازان می‏آموختند که در پاسخ سرشماری حاضران و غائبان بجای این واژه‏ها که معمول محیط غیر نظامی است بگویند "من‏"!

نویسنده این مقال بوقت اقامت در شهرهای مختلف ایران(عمده سبزوار،گرگان‏ اراک،دامغان،قم یادداشتهائی در باب لهجه‏های محلی هر ولایت گرد کرده بودم که‏ صحبت از آنها را به مجالی دیگر وامی‏گزارم.

پایان

یادداشتها

(1)-در باب سابقه و منشاء اختلافات نعمتی-حیدری سخن بسیار است نکته‏یی که این‏ نویسنده برای نخستین بار دریافته‏ام و شاید نادرست نباشد آن‏که حیدریان(پیروان سلطان‏ سید جلال الدین حیدر)با نعمتیان(پیروان شاه نعمت الله ولی)از دیرباز اختلاف داشته‏اند و این اختلاف هم چنانکه در افکار و عقائد و مسالک بین طریقتهای جلالی و نعمت اللهی،در طبقه اجتماعی نیز مشهود است.وقتی که شاه نعمت الله ولی بحکایت تایخ صاحب جاه خدم‏ و حشم بوده است پیروان سلطان جلال الدین حیدر(خاکساران)جز گدائی و دریوزگی مکسبی‏ نداشته‏اند هنوز هم بسیاری از جلالیان به عادت معهور کشکول و تبرزین بر سر و دوش می‏گیرند و مدح‏خوانان در کوچه و بازار می‏گردند پس نعمتی زر و حیدری زور دارد.تفصیل این سخن‏ تا وقت دگر.

(2)-مرحوم حاج سید عبد الله برهان می‏گفت این که در احادیث بتواتر آمده است که زمین‏ بر شاخ گاو استوار است از باب آن است که می‏گویند فلان محل کاکل یا دوز سبلت‏ فلان آقا یا فلان چیز زیر دست(یا روی دست)بهمان می‏گردد.حرف برهان-

بقیه در صفحه 102

شب هنگام در کاخ کرملین پس از صرف شام قوام و همراهان را بدیدن فیلمی‏ از حوادث جنگ و جبهه‏های نبرد بسالن سینما کرملین راهنمائی کردند.

ژوزف استالین شخصا پیش آمد و قوام را نزد خود نشاند،در اثناء نمایش‏ فیلم که از جریان جبهه‏های جنگ بود ناگهان تصویری از هیلتر که مشغول بازدید جبهه سپاه آلمان بود بر پرده آمد.استالین با کمال خشونت با انگشت هیلتر را بقوام نشان داد و چند بار نام هیلتر را برد.سپس دوباره آرامش خود را بدست آورده بصندلی تکیه کرد و آهسته بنخست‏وزیر ایران گفت امروز ناراحت‏ بودم از اظهارات من دلتنگ نباشید من ایران و شاه ایران را دوست دارم و بهترین متفق شوروی هستند.

پس از برگشت از سفر مسکو مذاکرات قوام در مجلس شورای ملی ایران مطرح گردید و چون با مصالح کشور وقف نمیداد کان لم یکن تلقی گردید.نخست‏وزیر مسئولیت‏ عدم قبول پیشنهادات را از خود سلب و بسفیر شوروی سخن بالا را که نمودار عقیده عموم مردم بود بازگو کرد.

بقیه از صفحهء 65

اعمال شرعیه شیعه انتظام مییابد و وجوب توجه من بآن جانب ساقط میشود معذور خواهند داشت.و چون امیر تیمور در شهور سنه 782 هـ بخراسان آمد این سلطان بقدم اخلاص‏ پیش او رفت امیر تیمور تمام الکای سربدار را بدستور بدو گذاشت و در تمامی یورشها همراه بود تا در سنه 788 در خرم آباد لرستان زخمی خورد و درگذشت.

بقیه از صفحه 65 شماره 239

این بود که کشاورزی و آبادی جهان وابسته به پرورش گاو(برای شخم‏زنی و نیز دامداری) است.اما در عصر صنعت و کشاورزی صنعتی این توجیه قابل قبول نیست.

3-پی ژاما(تلفظ فرانسوی) Pyjamas پ جاماز(تلفظ فرانسوی)که اکنون در ایران بعنوان واژه وارداتی مصطلح است ریشه فارسی دارد و مرکب از پا Pae و جامعه‏ بنگرید به

Bill Pooper;Odd Facts of Life London(1965);P.8

در بعضی لهجه‏های محلی پیژاما را بی‏جامه گویند.این شاید بدان مناسبت است که‏ چون جامه از تن واگیرند(بی‏جامه شوند)پیژاما پوشند.